

متن پرسش

سلام دوباره ادامه بحث حجاب: ۲. می خواستم نظرتون رو درباره این مطالب بدونم به عنوان مطلب روز و راه حل آن ها خیلی ممنون اگر حوصله کنید و بخوانید.؟؟ الف: وحید یامین پور نوشت: درباره ی «ساپورت»: از زیبایی پوشش تا زیبایی اندام... زنان ایرانی همیشه اصول زیبایی شناختی را در پوشش و آرایش رعایت کرده اند. مساله ی امروز ما این است که درگاه درک زیبایی برای زنان گویا عوض شده است. زن ایرانی زیبایی را در رنگ و طرح پوشش جستجو می کرد نه در نمایش تن. برای همین چشمی که به زن ایرانی می افتاد روی طرح و رنگ های پوشش می لغزید نه روی اندام و پوست و چهره اش. ولی زیبایی در زمانه ی ما در «تن نمایی» است. لباس خودش موضوعیتی ندارد بلکه باید بتواند هرچه بیشتر تن انسان را بنمایاند یا زوایای بدن را یا پوست بدن را. لباس در معنای مدرنش پوشش نیست بلکه رهنمای نگاه به زیبایی های تن است. این قاعده در طراحی لباس چسبان مردانه هم رعایت می شود. آنچه امروز آنرا ساپورت می نامیم ادامه ی همین «تن نمایی» است و عجیب است که دخترکان ایرانی، زیبایی را در تن نمایی جستجو کنند چراکه در هیچ کجای تاریخ این سرزمین حتی پیش از اسلام، «تن» محل ارجاع نگاه و زیبایی نبوده است بلکه تلاش هنرمندان در زیبانمایی پوشش بوده است... پ ن: برای مذهبی ترها، چادر، پوششی ضد ارتباطی است که هم اندام را از نگاه دیگران می پوشاند و هم جلوی لغزیدن نگاه روی زیبایی های پوشش را می گیرد. هرچند در انواع چادری های امروزی، دختران چادری چه در نقشهای ریز روی چادر چه در جنس آن و چه در پوشیدن روسری های رنگی قابل مشاهده زیر چادر بار دیگر به زیبایی های پوشش روی آورده اند. ب: نقد: علی ابوطالبی نوشت: «درباره ی ساپورت»، متنی است به قلم دکتر وحید یامین پور که در آن از «باب شدن تن نمایی» می نویسد در این مقال، قصد ندارم تاریخ پوشاک را بکاوم یا از منظر زیبایی شناسی (و حتی جامعه شناسی) مقوله ی «ساپورت پوشی» را نقد کنم... که این هر دو می تواند موضوع بحث ها و فحص های مفصل و جذاب باشد. نقد متوجه پی نوشت دکتر یامین پور است؛ آنجا که از اصطلاح غریب و نامأنوس «مذهبی ترها» استفاده می کند و گواه و سند «مذهبی تر» بودن را «چادر» می داند؛ آنجا که ملاک و معیار دینداری را به «شمایل» و «ظاهر» فرومی کاهد؛ آنجا که با متر و خط کش می کوشد قواره ی دیانت را اندازه بگیرد... بیایید فرض کنیم چادری ها مذهبی ترند؛ فرض کنیم متر و مقیاس دینداری میزان فشاری است که پیشانی بر مْهر وارد می کند؛ فرض کنیم کشیدگی مد «ولالضالین» با امکان رستگاری نسبت مستقیم دارد... برادرم، آقای یامین پور، تکلیف ما با آن بانوی چادری که صبح انتخابات ۸۸ فرمان شورش خیابانی صادر کرد چیست؟ آن بانوی چادری را که آن

روزها کوشید از آب گل‌آلود خویشاوندی با تُرک و لُر ماهی بگیرد چه خطاب کنیم؟ این‌ها مذهبی‌ترند از آن شیرزنان غزه، که روسری و لباس رنگین به تن دارند اما زیر بار ننگ اطاعت از اسرائیل نرفته‌اند؟ این‌ها مذهبی‌ترند از زنان محجبه‌ی آراسته‌ی حاضر در سخنرانی‌های سیدحسن نصرالله (که خداوند پشت و پناهِش باشد)؟ محجبه‌های رنگین‌پوش مالزی و اندونزی را کجای این طیف قرار دهیم برادر؟ به صفر نزدیکند یعنی با سنجه و مقیاس شما؟ از راشل کوری، دختر شجاع (اما بی‌حجاب)ی که در برابر تانک‌های اسرائیل سینه سپر کرد حرفی نمی‌زنم، که قرار هم نبود از «بی‌حجاب‌ها» سخنی به میان آید. بحث بر سر مذهبی‌ها و مذهبی‌ترهاست... از کدام مذهب سخن می‌گوییم، وقتی متر و معیارمان، پارچه‌ای‌ست؟ ----- این مقاله ای و نقد آن بود و نظرواراهکارحضرت عالی که همیشه پدرانه وسطی نبوده؟ و در آخر نظر راه حل فردی دیگر اگر وقت داشتید بخونید جالبه نگاهش: (الیاس قنبری نوشت: هنجارها، نمود بیرونی ارزش‌ها هستند. هنجاری به نام حجاب مبتنی بر ارزشی درونی به نام عفاف عمل می‌کند. پوشش، در درجه اول باید شرعی باشد. دوم اینکه باید منطقی باشد یعنی راحت باشد (مثلاً به نظر من پوشیدن لباس تنگ و کفش پاشنه بلند یا پوشیدن چادر بدون آستین و جلو باز که عملاً دست را فلج می‌کند یک کنش غیر منطقی است) سوماً لباس باید با هنجارهای اجتماعی سنخیت داشته باشد و چهارم اینکه پوشش باید قانونی باشد. لباس‌های جلف و زننده از نظر من لباسی است که این چهار ویژگی در آن رعایت نشده باشد. یعنی شرعی و منطقی و هنجارمند و قانونی نباشد. اما بحث حجاب اجباری توسط قرتی‌ها صرفاً یک بهانه و آدرس غلط دادن و نوعی حمله پیش‌دستانه است. احتمالاً همین حجاب اجباری باعث شده این لباس‌های احمقانه و غیر منطقی تنگ را بپوشند. شاید دیده باشید که وقتی روسری دختری از سرش می‌افتد سریع آن را به سر می‌کند. این اقدام او هیچ ربطی به حجاب اجباری و جنبه قانونی آن ندارد بلکه او می‌داند که اگر روسری‌اش را بردارد هزاران چشم به او خیره خواهد شد. در واقع این جنبه هنجاری است که رعایت حجاب را ایجاب می‌کند. آن چشم‌هایی که به بی‌حجاب و کسی که با پوشش جلف و زننده وارد محیط عمومی می‌شود خیره می‌شود نقش نظارت و کنترل هنجارها را بر عهده دارند. ما با نگاه نکردن به پوشش‌های جلف در واقع عمل‌انها را تأیید می‌کنیم. با نگاه نکردن می‌گوییم که عمل‌انها کاملاً طبیعی و معمولی است. با نگاه نکردن و بی‌توجهی به آنها می‌گوییم که پوشش شما هیچ هنجاری را نشکسته است. به این موجودات باید نگاه کرد. باید به آنها خیره شد. همان طوری که در خیابان اگر دلکی ببینیم به او نگاه می‌کنیم. همان طور که اگر کسی توی خیابان داد و بیداد راه می‌اندازد نگاهش می‌کنیم. به نظرم بزرگترین وظیفه ما حفظ جنبه هنجاری حجاب است. بهترین راه نهی از منکر هم نگاه متعجب است. البته پیشاپیش از علما و فقها به خاطر تجویز چشم‌چرانی عذرخواهی می‌کنم.) آیا این نگاه درست است و اسلامی یاراه حل اکل میتی است؟ بیخشید طولانی شد.

تشکر فروان. یا علی

باسمه تعالی: سلام علیکم: ضمن تشکر از ارسال نظر اندیشمندان جامعه‌ی امروز ما در مورد حجاب. باید تعجب کرد از آقای علی ابوطالبی که نتوانست با نظر بسیار دقیق و عالمانه‌ی جناب آقای یامین‌پور هم‌دلی کند و سعی کرده موارد نقضی برای آن پیدا کند گویا آقای ابوطالبی گمان کرده‌اند آقای یامین‌پور تنها علت مذهبی بودن را چادر می‌دانند و از بحث به‌کلی پرت شده‌اند، حرف آقای الیاس قنبری درست است مگر طنزی که در آخر آورد و به قول خودش مجوز چشم‌چرانی صادر کرد. موفق باشید